

بررسی مسأله تکامل انسان از منظر علم و دین با تأکید بر دیدگاه داروین و علامه جوادی آملی

مهدیه علوی فر

چکیده

مسأله تکامل موجودات از موضوعات مشترک در فلسفه اسلامی و علوم طبیعی است، با این تفاوت که از منظر آیت‌الله جوادی آملی تکامل در فلسفه اسلامی، طی نمودن درجات وجودی نوع واحد براساس حرکت جوهری است؛ و لکن تکامل در فرضیه داروین تکامل و تحول انواع به صورت عرضی براساس حرکت و تغییرات تصادفی است. تبیین دو مسأله‌ی چگونگی خلقت انسان و دفعی و یا تدریجی بودن خلقت انسان نخستین؛ راز خلقت و تکامل انسان را براساس آموزه‌های قرآن کریم معلوم می‌گرداند و از آنجایی که آیت‌الله جوادی آملی قائل به رابطه‌ی مکملیت بین علم و دین هستند، تعارض علم و دین را در مسأله خلقت انسان و تکامل وی را، براساس مبانی هستی‌شناسی، زبان‌شناسی و معرفت‌شناسی رفع می‌نماید.

کلید واژه‌ها: تکامل، انسان، علم، دین، جوادی آملی، داروین.

درآمد:

یکی از مسائل مهم که در دین و در علم از آن سخن رانده شده است ، مسأله خلقت انسان و تکامل اوست. در این تحقیق سعی بر این است که فرضیه تکامل داروین را با تکامل در فلسفه اسلامی با توجه به تفسیر و تفکرات آیت‌الله جوادی مقایسه و تطبیق داده شود همچنین راه حل آیت‌الله جوادی آملی را در رفع تعارض ظاهری میان علم و دین در مسأله خلقت ارائه شود و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا میان نظریه داروین و آیات قرآن کریم با توجه به تفسیر آیت‌الله جوادی آملی تضاد و تعارض وجود دارد یا نه ؟ آیا نظریه و تفسیر آیت‌الله جوادی آملی درباره تکامل انسان مؤید نظریه تکامل انواع داروین است؟

اهداف عمده این تحقیق عبارتند از :

۱- تبیین و مقایسه نظریه داروین و تفسیر آیت‌الله جوادی آملی در باب نحوه خلقت و تکامل انسان

نخستین

۲- تبیین روش آیت‌الله جوادی آملی در حل تعارض ظاهری بین علم و دین.

سیر تکاملی موجودات پیشینه‌ای در عصر یونان بوستان دارد ، آنا کسیمندر نخستین فیلسوف یونانی است که نظریه تکامل تدریجی موجودات زنده را مطرح کرده است . در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ دانشمندان علوم تجربی همچون کوویه، بوفه، لارمارک و در نهایت داروین پا به عرصه اندیشه‌های تکاملی گذاشته (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۴۱۹-۴۱۸)

برخی بر این عقیده اند که در میان فلاسفه و عرفاء اسلامی پیشگام نظریه تکامل عزیز الدین نسفی هفت قرن پیش از داروین و بعد از او خواجه نصیر الدین در قرن هفتم عبارت هایی شبیه به عبارت های داروین دارد. (کلانتری، ۱۳۹۰: ۸-۹) و لکن صدرالمآلهین با ابتکار حرکت جوهری تکامل موجودات مادی را عقلانی و نظام مند نمود.

ضرورت طرح مسأله خلقت و تکامل انسان ، از انجایی نشأت می‌گیرد که برخی ها با هدف های مختلف به طرح دیدگاه تعارض و ناسازگاری میان علم و دین پرداخته‌اند. گرچه بسیاری از نزاع‌ها دامن‌گیر دین مسیحیت و عهدین است، ولی پاره‌ای از دستاوردهای علمی، باور خلقت و تکامل انسان را در الهیات اسلامی به چالش می‌اندازد؛ زیرا در آیات متعددی از قرآن کریم رازهایی را در مورد خلقت انسان و تکامل

جسمانی او بیان شده است. از این جهت برای هر فرد مؤمن به قرآن کریم بسیار مهم است که از مفاد و محتوای واقعی این آیات و نسبت تکامل در الهیات اسلام با نظریه تکامل داروین مطلع باشد و با ارائه راه‌حل‌هایی عقلانی و روش‌مند اثبات شود، دین اسلام و آیات قرآن کریم با عقل و علم منافات و ناسازگاری ندارد، و اثبات این مسأله در ترویج و صدور دین مبین اسلام بسیار تأثیرگذار است.

۱- مفهوم و مبانی تکامل از منظر آیت‌الله جوادی آملی

تکامل در لغت به معنای تمام شدن، به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن، نمایان ساختن استعداد، شکفتن و گسترده شدن (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۱۲۴؛ انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ۱۴۰؛ مطهری ۱۳۷۳: ج ۶، ۷۸۰-۷۶۹)

"تکامل و کمال" در اصطلاح عبارت است از اینکه چیزی که نوع به آن در ذات و یا در توابعش تمامیت پیدا کند. (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۳۲) که از آثار آن ترقی‌شیء از مراحل پایین به مراتب بالا و پیمودن سلسله طولی است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۳، ۳۳۱؛ ج ۵، ۳۳۴)

از منظر آیت‌الله جوادی آملی تکامل علوت از طی نمودن درجات وجودی با نظم طبیعی و فطری آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۴۲۸)

علامه جوادی آملی سیر تکاملی موجودات را بر اساس دومبنای اصلی نظام می‌بخشد: ۱- اقسام وجود

۲- حرکت جوهری

۱-۱- اقسام وجود

اوین سوالی که در تبیین تکامل موجودات به ذهن خطور می‌کند؛ کدامیک از اقسام موجودات تکامل در باره آن‌ها مطرح است؟ در پاسخ باید گفت که دایره هستی در فلسفه اسلامی متشکل از چهار قسم وجود است که در حکمت متعالیه به عنوان مراحل تشریک مورد تأیید قرار گرفته است، نسبت هر کدام از این مراتب به تکامل و کمال متفاوت است که عبارت‌اند: ۱- ناقص ۲- مستکفی ۳- تام ۴- فوق‌التمام

۱- ناقص: موجودی که فاقد بسیاری از کمالات است که با عوامل بیرونی کامل می‌شود.

۲- مستکفی، کمالاتی ندارد و لکن در مسیر تکامل از خود مایه نمی‌گذارند و به تعبیری خود کفایند، مانند فرشتگانی که با عبادت خدا به کمال خودشان می‌رسند.

۳- تام: مانند عرش کرسی و عقول مجرد که تمام کمالشان را در آغاز آفرینش دارند.

۴- فوق تمام: موجودی که هر کمالی را به شکل نامحدود داراست و در عین حال نیازهای همه و همه نیازها را برطرف می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۲-۴، ۱۶۵؛ ۱۳۸۹ الف: ۲۹۲)

از اقسام چهارگانه وجود بحث تکاملی حول محور وجود فوق تمام و وجود ناقص است، وجود فوق تمام از آن جهت که ریشه و اصل کمالات است، ممکنات برای دریافت فیض از او، مشروط به این هستند که خداوند قبلاً فضای مناسب آن را اظهار فرماید، نه آنکه خودش حاصل شود و هر وقت حاصل شد خداوند افاضه کند، زیرا براساس توحید هیچ پدیدهای بدون افاضه الهی ظهور نمی‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ب: ۲۶۲)

وجود ناقص عبارت از وجودی ممکن و مادی است که همۀ کمال‌های متصور خود را بالفعل ندارد؛ لذا درباره آنها اصل تکامل و امکان و یا ضرورت آن مطرح است.

و از آنجایی که تکامل معادن، گیاهان و حیوانات و تمام اضلاع سه گانه آغاز و انجام و صراط و رابط بین مبدأ و منتهای موجودهای ممکن مادی - معادن، گیاهان، حیوان و انسان را امور حقیقی تشکیل می‌دهند، از این رو هم علل اولی در پیدایش چنین موجوداتی و هم کارهای آن‌ها وابسته به علل حقیقی است. (جوادی آملی ۱۳۸۴: ۱۰۰)

۱-۲- حرکت جوهری

فلاسفه اسلامی قائل به رابطه تنگاتنگی بین حرکت و تکامل هستند تا جایی که حرکت را نوعی کمال برای موجود متحرک می‌دانند.

صدرالمآلهین در این رابطه می‌فرماید: "إِنَّكَ قَدْ عَرَفْتَ حَدَّ الْحَرَكَةِ فَهِيَ فِعْلٌ أَوْ كَمَالٌ أَوَّلٌ لِلشَّيْءِ الَّذِي هُوَ بِالْقُوَّةِ مِنْ جِهَةٍ مَا هُوَ بِالْقُوَّةِ فَالْقُوَّةُ لِلْمُتَحَرِّكِ بِمَا هُوَ مُتَحَرِّكٌ بِمَنْزِلَةِ الْفِعْلِ الْمَقْوَمِ" (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۳، ۴۱)

حرکت از آن جهت کمال است که به سبب آن امکان توجه به مقصد فعلیت می‌یابد و نخستین قوه بدین نحو کمال می‌شود و همین که به مقصد رسید، کمال دوم حاصل و حرکت پایان می‌یابد. (ابن سینا، ۱۴۰۴: ج ۱، ۸۳)

البته باید توجه کرد که آیت‌الله جوادی آملی، حرکت جوهری صدرالمتألهین را مبنای تکامل وجودی موجودات قرار داده است که مطابق آن هیچ ثباتی در عالم ماده وجود ندارد، بلکه تمام اجزاء عالم مادی پیوسته در حال حرکت و تغییرند، حرکتی که سیر تکاملی داشته و در نهایت به سوی تجرّد پیش می‌رود. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۷، ۲۹۸)

آیت‌الله جوادی آملی بر این عقیده‌اند که معمولاً از حرکت جوهری در اندیشه صدرایی به لبس بعد از لبس تعبیر می‌شود، یعنی صورت جدیدی که قوی‌تر از صورت سابق است حضور به هم رسانیده و صورت پیشین را پوشش می‌دهد؛ و لکن حقیقت حرکت جوهری این است که صورت قبلی متحوّل و دگرگون می‌شود و صورت جدیدی پدید می‌آید و حدّ نوینی از این صورت جدید انتزاع می‌شود. حرکت جوهری جوشش و تحرّک درونی متن گوهر هستی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۲-۴، ۲۲۴) و این معنای صحیح حرکت جوهری در اندیشه صدرایی چهار پیام دارد.

۱- تمام حرکت‌های عالم طبیعت، به تحرّک درونی جوهر و به مبدئیت آن خواهد بود.

۲- تمام تحوّل‌های طبیعی در موجودهای مادی به نحو حرکت و تدریج است؛ نه دفعی و به صورت کون و فساد؛ زیرا تحوّل دفعی حرکت به سوی نقص محال است، بلکه در تمام حرکت‌های ذاتی و اصیل توجّه متحرّک به کمال است و کون و فسادهای تدریجی نه دفعی، حرکت به سوی نقص، به نحو عرضی و تبعی خواهد بود، چون براساس تزامن و تمانع بین برخی از صورت‌ها، ماده به عرض و تبع به تدریج بعضی از کمالات خود را از دست می‌دهد، در این گونه از موارد دو حرکت وجود دارد: ۱- ذاتی که به سمت کمال حرکت می‌نماید و دیگر عرضی که از کمال به طرف نقص تنزّل می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۲-۳، ۱۸۸-۱۹۰)

۳- پدیده حرکت بی محرّک (فاعل) و بی غایب امکان تحقّق ندارد. در نظام فاعلی، حرکت باید به محرّک غیر متحرّک و مجرد و منتهی گردد و از لحاظ نظام غایی حتماً به غایت ثابت و مجرد برسد تا آرام بگیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۲-۳، ۱۹۰)

چرا که اگر موجودی خود منشاء دگرگونی و خود عامل وجود خویش باشد، این امر منجر به انقلاب ذات می‌شود، زیرا فاقد چیزی نمی‌تواند معطی آن چیز به خود یا دیگری باشد، از همین رو ماده در مسیر

آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از قواعد منطقی و اصولی در صدد حل تعارض علم و دین بر آمده‌اند و معتقدند :

نه دین باوران حکم به تکفیر عالمان دهند ، و نه عالمان علوم تجربی ، دین را اسطوره و افسانه تلقی کنند؛ زیرا زبان علم (طبیعی و ریاضی) با زبان دین جمع می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۹۸-۹۹).

اکنون به ۳ اصل از اصول زبان‌شناسی در حل مسأله تکامل اشاره می‌شود

۱- از جهت منطقی باید توجه کرد که فرضیه تکامل داروین ، هرگز به صورت قضیه‌ای بدیهی غیر قابل انکار مطرح نیست ، بلکه تنها فرضیه‌ای است که زیربنای مقطعی و موقتی مسائل تجربی است که از حدّ فرضیه فراتر نیامده و به عنوان یک نظریه قطعی نقد ناپذیر ظهور نکرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۷، ۱۴۴-۱۴۵؛ ۱۳۸۹ الف: ۳۴)

برخلاف قضایای بدیهی که مخالفت و نقد آنها ممکن نیست .

۲- بحث آفرینش انسان اوّلی در قرآن کریم نه از جمله مسائل تعبّدی و نه از سرّیخ اعمال بدنی است بلکه مربوط به باور و پذیرش قلبی اند که جز با حصول مبادی علل آن پدید نمی‌آید. فرضیه‌ا و آرای که از ظواهر متون دینی به شکلی استفاده می‌شود و از آرای علوم تجربی و ریاضی به نحو دیگر بر می‌آید، از ضروریات دین نیستند، بلکه همّه آنها نظری اند و معنای نظری بودن آفرینش انسان‌های اولیه و نسل کنونی در قرآن این است که در قرآن در رابطه این مسأله بیان قاطع و روشنی ارائه نشده است ؛ لذا مخالفت با برخی از آراء و یا باور به غیر آن‌ها ضعف ایمان یا ارتداد نمی‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۷، ۱۴۴-۱۴۹)

۳- در فن اصول فقه قواعدی وجود دارد که با استفاده از آنها تعارض بین ظواهر دینی رفع می‌گردد، همچنین می‌توان از آن قواعد برای رفع ناهماهنگی و تعارض بین یک دلیل دینی و یک دلیل علمی یا ریاضی استفاده کرد. مثلاً اگر آیه قرآن و یا حدیثی از معصوم مخالف مطلب ثابت شده به روش عقلی یا دلیل معتبر باشد می‌توان «آن دلیل معتبر علمی را مقید یا مخصّص لیه قرار داد و با آن، اطلاق یا عموم دلیل نقلی را تقیید و یا تخصیص داد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۳۴)

و یا « با اعمال قواعد علاج، یا تقدیم قطعی بر غیر قطعی ترجیح مفید طمأ نینه بر مفید ظن مطلق و .. و مانند آن، با احتساب مرجعیت نهایی و تام و بدون منازع وحی معصومانه، انسان کامل معصوم علیه السلام، تعارض مزعوم را برطرف کرد» (جوادی آملی، بی تا: ج ۴، ۳۳)

از منظر آیت الله جوادی آملی حکمت استفاده از این قواعد برای رفع تعارضات از این ج هت است که «دلیل، ملاک قبول است و از حجیت و حرمت برخوردار است، و در صورت وجود دلیل، فرقی بین دلیل نقلی و عقلی نیست؛ گرچه یکی مهم و دیگری مهم تر باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف: ۹۹) و همان گونه که دلیل نقلی همۀ آثار حجیت را به همراه دارد، دلیل عقلی نیز چنین است. (همان).

بنابراین اگر بالفرض نظریۀ تکامل داروین از دلیل عقلایی برخوردار گردد، باید با اعمال قواعد علاج تعارض برطرف گردد؛ زیرا دلیل مزین به حجیت شرعی است

۴- یکی از اصول و قواعد حاکم بر هر زبانی این است که ظاهر متنی که برای تعلیم القاء می شود، بر پایه فرهنگ و گفتمان ج مهوّر حجّت است، مگر آنکه دلیل معتبر عقلی یا نقلی، مایه انصراف از ظهور آن گردد. از این رو ظاهر قرآن کریم که آفرینش آدم را از عناصر ارضی می داند، و او را فرزند کسی نمی داند، مفید اطمینان و حجّت شرعی است و از آنجایی که فرضیه تکامل داروین، صریحه علمی ندارد حتی اگر از مرز فرضیه گذشت و به نصاب تئوری تثبیت شده برسد هرگز عهده دار اثبات کیفیت پیدایش آدم نیست لذا مایه تصرف در ظاهر متون دینی نمی شود؛ زیرا انسان های فراوانی قبل از آدم به دنیا آمده و منقرض شده اند، ولی آدم از نسل هیچ کدام نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۳، ۵۱۱).

نتیجه

حقیقت تکامل در فلسفه اسلامی با تکامل در فرضیه داروین مشترک لفظی می باشند، زیرا تکامل در بستر پیروان حکمت متعالیه طی نمودن درجات وجودی نوع واحد با نظم طبیعی و فطری براساس حرکت تدریجی جوهری اشیاء است.

در حالی که در فرضیه تکامل داروین موجودات از انواع ناقص پیش از خود تولد یافته و با تغییرات تصادفی تدریجاً نوعی به نوع دیگر تکامل یا تحول یافته است.

از دیدگاه علامه جوادی آملی تحوّل نوع مقبول است تحوّل انواع مردود است

براساس فرضیه داروین انسان تدریجاً از میمون به وجود آمده، در حالی که براساس آیات قرآن کریم منشاء خلقت انسان خاک است، و لیکن آیات قرآن ظهوری بر خلقت تدریجی ندارد، با این وجود عقل و دین طفیه را نمی پذیرند. مسأله خلقت و تکامل انسان از منظر داروین موافق با آیات قرآن کریم نیست و لیکن از آنجایی که علامه جوادی آملی قائل به مکملیت علم و دین هستند و بر این عقیده اند که عقل نه در مقابل دین و برون از مرز آن بلکه هم سطح با نقل در درون دین است، و به این جهت به روشهای گوناگون به حل تعارض علم و دین در مسأله خلقت و تکامل انسان پرداخته اند.

فرضیه داروین به صورت قضیّای بدیهی ظهور نکرده است، در ضمن آفرینش انسان اولی در قرآن کریم از ضروریات دین نیست، بنابراین نه می توان حکم به ارتداد داروین داد و نه دین را اسطوره پنداشت؛ در ضمن داروین قائل به تحرک ماده ن خست است، و از آنجایی که هر متحرکی محرک دارد، پس از آن حیث که انسان متحرک و مخلوق است نیازمند به محرک و خالق است نتیجه آنکه از فرضیه داروین هرگز انکار خدا اثبات نمی گردد.

دانشمندان علوم تجربی در مباحث معرفت شناسی باید به دو نکته توجه کنند : ۱- دانش تجربی در مورد معارفی چون معجزه (خلقت انسان) نه نفیاً و نه اثباتاً نمی تواند اظهار نظر کند.

۲- بر فرض صحت تکامل داروین این نظریه حصر عقلی ندارد، و عدم توجه به این نکته اختلاط امتناع عادی با استحاله عقلی را در پی دارد.

منابع

قرآن

ابن سینا (۱۴۰۴) الشفاء (الاهیات)، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.

انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.

باربو، ایان، (۱۳۷۴) علم و دین، ترجمه بهاء الدینی خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۳، محقق حجه الاسلام قدسی، قم: اسراء

- (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۴، محقق حجه الاسلام عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء
- (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۶، محقق حجه الاسلام حسن واعظی محمدی، قم: اسراء
- (۱۳۸۸) تسنیم، ج ۸، محقق حجه الاسلام حسن واعظی محمدی، قم: اسراء
- (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۱۴، محقق حجه الاسلام عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء
- (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۱۷، محقق حسین اشرفی و عباس رحیمیان، قم: اسراء
- (۱۳۸۹) تسنیم، ج ۲۲، محقق حسین شفیعی و محمد فراهانی، قم: اسراء
- (۱۳۸۷ الف) دین شناسی، محقق حجه الاسلام محمدرضا مصطفی پور، قم: اسراء
- (۱۳۸۷ ب) عین نضاخ، (تحریر تمهید القواعد، محقق حمید پارسانیا)، قم: اسراء
- (۱۳۸۹ الف) تفسیر انسان به انسان، محقق محمدحسین الهی زاده، قم: اسراء
- (۱۳۸۹ ب) منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، حجه الاسلام احمد واعظی، قم: اسراء
- (۱۳۸۶) رحیق مختوم، محقق حجه الاسلام حمید پارسانیا، قم: اسراء
- (۱۳۸۴) حیات حقیقی انسان در قرآن، محقق حجه الاسلام غلامعلی امین دین، قم: اسراء
- (بی تا) سروش هدایت، قم: اسراء
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، کلام جدید با رویکرد اسلامی، قم: نشر معارف
- داروین، چارلز روبرت، (۱۳۶۳) منشاء انواع، ترجمه نورالدین فرهیخته، تهران: شبگیر

فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۷) سیر حکمت در اروپا، تصحیح امیر جلال الدین علم، تهران: نیلوفر

کلانتری، ابراهیم، (۱۳۹۰) " تبیین موضع تعارض ظاهری نظریه تکامل و آیات آفرینش و آرای

قرآن پژوهان در حل آن "، فلسفه و کلام متبسات شماره ۵۹. از صفحه ۵ تا ۳۰

ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۵۴) المبدأ و المعاد، به کوشش جلال الدین آشتیانی، تهران:

انجمن حکمت و فلسفه ایران

----- (۱۹۸۱) الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الارجر ، بیروت:

داراحیاء التراث العربی

----- (۱۳۶۶) تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار

----- (۱۳۶۳) مفاتیح الغیب ، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳) مجموعه آثار، قم، صدرا

معین، محمد، (۱۳۶۴) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر

Gold , j (۱۹۷۷) " The Return of Hopeful Monsters " Natural